

[بررسی تفاوت جمله خبریه و انشائیه 1](#_Toc26807104)

[مسالک موجود در مورد جمله خبریه 1](#_Toc26807105)

[الف: وقوع یا نفی نسبت بین موضوع و محمول (قول مشهور) 1](#_Toc26807106)

[بررسی مناقشه مرحوم آقای خویی در کلام مشهور 2](#_Toc26807107)

[ب: وضع جمله خبریه برای ابراز قصد اخبار (کلام مرحوم آقای خویی) 2](#_Toc26807108)

[مناقشه در کلام مرحوم آقای خویی 3](#_Toc26807109)

[ج: دلالت جمله خبریه بر نسبت تصادقیه 4](#_Toc26807110)

[د: هوهویت تصدیقیه بین موضوع و محمول 4](#_Toc26807111)

[بررسی اقسام جمله خبریه 5](#_Toc26807112)

[کلام شهید صدر در مورد جمله اسمیه و فعلیه 5](#_Toc26807113)

[کلام شهید صدر در مورد جملات مزدوجه 6](#_Toc26807114)

[بررسی معنای جملات انشائی 7](#_Toc26807115)

**موضوع**: بررسی معنای هیئات/ بررسی معنای حرفی/ تقسیم بر اساس معنای موضوع له / تقسیمات وضع/ وضع/ مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بررسی معنای هیئات قرار دارد که تفاوت هیئت جمله تامه و ناقصه مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه تفاوت جمله خبریه و انشائیه مورد بررسی قرار می گیرد.

# بررسی تفاوت جمله خبریه و انشائیه

یکی از مباحث مطرح در علم اصول، تفاوت بین جمله خبریه و جمله انشائیه و حقیقت انشاء و اعتبار است.

برای روشن شدن این بحث در ابتدا توضیحی در مورد جمله خبریه لازم به ذکر است.

## مسالک موجود در مورد جمله خبریه

در مورد جمله خبریه چهار مسلک وجود دارد:

### الف: وقوع یا نفی نسبت بین موضوع و محمول (قول مشهور)

مسلک اول در مورد جمله خبریه که مورد پذیرش مشهور قرار گرفته، این است که مفاد جمله خبریه وقوع نسبت بین موضوع و محمول مثل «زید قائم» یا نفی وقوع نسبت بین موضوع و محمول مثل «ما زید بقائم» است.

#### بررسی مناقشه مرحوم آقای خویی در کلام مشهور

مرحوم آقای خویی در مورد کلام مشهور فرموده اند: مشهور جمله خبریه را وضع شده برای دلالت به وقوع نسبت بین موضوع و محمول در خارج دانسته اند، در حالی که در توجیه تعبیر «شریک الباری ممتنع» یا «العنقاء ممکن» دچار مشکل می شوند؛ چون با توجه به اینکه ثبوت نسبت خارجی، فرع بر ثبوت طرفین در خارج است و شریک الباری در خارج وجود ندارد، قطعا در خارج بین شریک الباری و ممتنع نسبت وجود ندارد. از طرف دیگر معنای هیئت جملات در همه موارد یکسان است و لذا روشن می شود که معنای هیئت جمله خبریه، وقوع نسبت خارجی بین موضوع و محمول نیست.

به نظر ما اشکال مرحوم آقای خویی بر کلام مشهور قابل جواب است؛ چون کلام مشهور این است که در عالم واقع که اعم از عالم وجود عینی و نفس الامر است، بین موضوع و محمول نسبت واقع شده است. طبق این بیان کسی که مدعی وجود نسبت خارجی بین زید و قائم می شود، می تواند در مورد تعبیر «شریک الباری ممتنع» بیان کند که در عالم نفس الامر، نسبت واقعیه بین این دو وجود دارد. بنابراین این اشکال به کلام مشهور وارد نیست.

البته طبق مسلکی که در ادامه از امام قدس سره نقل می شود، مفاد «زید قائم» نسبت نیست بلکه هوهویت تصدیقیه است که این مطلب اشکالی بر کلام مشهور است.

نکته دیگر در مورد کلام مشهور این است که بنابر موضوع له بودن نسبت خارجی، در قضایای کاذبه نسبت خارجیه وجود ندارد که این مطلب نیز اشکال دیگری بر کلام مشهور است که در تقریب امام قدس سره به این مطلب پرداخته می‌شود.

### ب: وضع جمله خبریه برای ابراز قصد اخبار (کلام مرحوم آقای خویی)

مسلک دوم که از سوی مرحوم آقای خویی مطرح شده، این است که جمله خبریه برای ابراز قصد اخبار وضع شده است. به عنوان مثال هیئت «زید قائم» برای ابراز قصد اخبار از قیام زید وضع شده است. اما جمله انشائیه برای ابراز امر نفسانی غیر از قصد اخبار وضع شده است. به عنوان مثال جملیه استفهامیه برای ابراز قصد استفهام وضع شده است.

مرحوم آقای خویی جمله خبریه را برای ابراز قصد اخبار دانسته و بیان کرده اند که این مطلب نتیجه مسلک تعهد است که در مورد حقیقت وضع مورد پذیرش ما قرار گرفته است؛ چون در مسلک تعهد باید نسبت به امر اختیاری تعهد صورت گیرد و لذا لازم است که موضوع له در اختیار مستعمل باشد تا بتواند نسبت به آن تعهد داشته باشد. بنابراین قصد اخبار امری در اختیار مستعمل است که متعهد می شود که به عنوان مثال در مورد «زید قائم» قصد اخبار داشته باشد، اما نسبت خارجیه در اختیار مستعمل نیست و به همین جهت تعهد در مورد آن نیز معنا نخواهد داشت. [[1]](#footnote-1)

#### مناقشه در کلام مرحوم آقای خویی

به نظر ما در مورد کلام مرحوم آقای خویی دو اشکال وارد است:

1. تعهد واضع و متکلم به این صورت است که لفظ را صرفا در زمان اراده تفهیم معنای خاص استعمال کند که در این جهت تفاوتی بین قول مشهور و مرحوم آقای خویی وجود ندارد؛ چون مشهور می تواند بیان کند که متکلم متعهد است که «زید قائم» را صرفا در هنگام تفهیم ثبوت نسبت خارجی بین زید و قائم استعمال کند کما اینکه متعهد است که لفظ «آب» را صرفا در خصوص فرض اراده تفهیم معنای آب را داشته باشد.
2. مرحوم آقای خویی «زید قائم» را وضع شده برای ابراز قصد اخبار دانسته اند، که طبق کلام ایشان تعبیر «أُخبر أنّ زیداً قائم» باید برای ابراز قصد اخبار از اخبار وضع شده باشد، در حالی که این مطلب عرفی نیست.

شهید صدر در کتاب بحوث فی علم الاصول نقل کرده اند که به عنوان اشکال به مرحوم آقای خویی به ایشان گفته اند: در تعبیر «هل زیدٌ قائم» قصد اخبار وجود ندارد، در حالی که تفاوتی با «زید قائم» ندارند که مرحوم آقای خویی در پاسخ این اشکال فرموده اند: تعابیر «زید قائم» و «هل زید قائم» مشترک لفظی هستند؛ چون «زید قائم» برای ابراز قصد اخبار وضع شده و «هل زید قائم» برای ابراز قصد استفهام وضع شده است.

ایشان بیان می کنند که به مرحوم آقای خویی اشکال کردیم که وقتی سائل تعبیر «هل زید قائم» را به کار برده و مخاطب او از لفظ «نعم» استفاده می کند، ظاهر «نعم» این است که همان «زید قائم» تکرار می شود و خلاف ظاهر است که «نعم» به کار برده شده و مشترک لفظی اراده شده باشد کما اینکه خلاف ظاهر است که بعد از «هل زید قائم» تعبیر «نعم» به کار برده شده و مقصود جواب دهنده، قائم بودن زیدِ جاهل و مقصود سائل، قائم بودن زیدّ عالم باشد. بنابراین مشترک لفظی خلاف ظاهر است که بر این اساس وقتی بعد از «هل زید قائم» از تعبیر «نعم» استفاده می شود، به همان معنایی خواهد بود که سائل اراده کرده است و تنها تفاوت در این است که در تعبیری که در پاسخ سؤال به کار رفته است، از لفظ «هل» استفاده نشده است که این مطلب حاکی از مشترک لفظی نبودن این دو تعبیر است.[[2]](#footnote-2)

به نظر ما نیز ظاهر «نعم» این است که «زید قائم» به همان معنا اراده شده است و تنها تفاوت در این است که در جمله به کار رفته در کلام سائل از لفظ «هل» استفاده شده ولی در پاسخ از «هل» استفاده نشده است. در نتیجه به جهت خلاف ظاهر بودن اراده معنایی دیگر از «زید قائم»، اشتراک لفظی رخ نمی دهد.

علاوه بر اینکه در اشکال به کلام مرحوم آقای خویی می توان گفت: اگر از موج هوا تعبیر «زید قائم» شنیده شود، ابراز قصد اخبار به ذهن خطور نمی کند بلکه وجود قیام برای زید در خارج به ذهن خطور می کند؛ چون به اعتراف خود مرحوم آقای خویی نتیجه دلالت وضعی انس ذهن با معنا است که حتی اگر از موج هوا شنیده شود، معنا به ذهن خطور می کند و در صورتی که تعبیر به صورت «زید قائم» باشد، چیزی غیر از ثبوت قیام برای زید فهمیده نمی شود و به همین جهت ابراز قصد اخبار از قیام زید که در کلام مرحوم آقای خویی ذکر شده است، خلاف وجدان است.

### ج: دلالت جمله خبریه بر نسبت تصادقیه

سومین مسلک در مورد معنای جمله خبریه قول شهید صدر در بحوث است. ایشان فرموده اند: هیئت جمله خبریه دال بر نسبت تصادقیه است.

مسلک شهید صدر در ادامه به صورت کامل مطرح شده و مورد بررسی قرار می گیرد. خلاصه مسلک ایشان این است که به عنوان مثال هیئت «زید قائم» برای دلالت بر واقع نسبت تصادقیه که موطن آن ذهن متکلم است، وضع شده است و لذا در ذهن متکلم حکم به تصادق موضوع و محمول در خارجِ واحد شده است.[[3]](#footnote-3)

### د: هوهویت تصدیقیه بین موضوع و محمول

مسلک چهارم در مورد معنای هیئت جمله خبریه که مورد پذیرش امام قدس سره قرار گرفته این است که به عنوان مثال «زید قائم» دلالت بر ثبوت اتحاد بین زید و قائم در خارج می کند که هوهویت تصدیقیه است. در «زید فی الدار» هم که قضیه حملیه محسوب نمی شود، دلالت بر ثبوت نسبت ظرفیت بین زید و دار می شود.[[4]](#footnote-4)

به نظر ما مسلک امام قدس سره مسلک صحیح است. البته در مورد «زید فی الدار» توضیح مطلبی لازم است؛ چون در جمله خبریه باید موضوع به صورت مستقل لحاظ شود؛ یعنی «زید» به صورت مستقل لحاظ گردد؛ لذا شبهه ای مطرح می شود که مفاد «فی» متقوم به دو طرف است. در یک طرف آن «دار» قرار دارد که ظرف و در طرف دیگر «زید» قرار دارد که مظروف است. در این شرائط اینکه «زید» به صورت مستقل لحاظ شده و از طرف دیگر «فی» متقوم به آن باشد، سازگاری وجود ندارد. به همین جهت ممکن است گفته شود که کلام مشهور ادباء مبنی متقوم بودن «فی» به «کائن» مقدر صحیح است و با این بیان «زید فی الدار» به معنای «زید کائن فی الدار» خواهد شد.

به نظر ما مطلب ذکر شده خلاف وجدان عرفی است؛ چون در هنگام ترجمه «زید فی الدار» از عبارت «زید در خانه است» استفاده می شود که کلمه «است» دارای معنای حرفی و دال بر وقوع نسبت ظرفیه است کما اینکه در تعبیر «زید قائم است»، کلمه «است»، دلالت بر وقوع می کند. اما در مورد «زید فی الدار» «کائن» به مفهوم اسمی در ذهن تصور نمی‌شود، در عین اینکه زید به صورت مستقل لحاظ شده است. برای تبیین استفاده از «زید فی الدار» بدون در تقدیر گرفتن لفظ «کائن» دو وجه قابل ذکر است:

1. اساساً روشن نیست که «فی» دال بر مفهوم متقوم به طرفین است و چه بسا بتوان گفت: «فی» متقوم به مدخول خود بوده و دلالت بر خصوصیت ظرفیت مدخول خود می کند کما اینکه لام تعریف دال بر خصوصیت مدخول خود است. اما هیئت جمله «زید فی الدار» طرف دیگری برای «فی الدار» تصویر می کند.

شاهد مطلب ذکر شده این است که به صورت ابتداء به ساکن می توان از تعبیر «در خانه» استفاده کرد.

1. اگر اصرار وجود داشته باشد که طبق وجدان عرفی «فی» متقوم به دو طرف است، اشکالی نخواهد داشت که ابتداء «زید» به صورت مستقل لحاظ شده و در ادامه طرف نسبت ظرفیه قرار گرفته و محمول آن «در خانه است» قرار گیرد. در این صورت یک طرف «درخانه» همان زید است که در ابتدا به صورت مستقل لحاظ شده است و با این بیان دیگر «کائن» در تقدیر نخواهد بود. شاهد این مطلب این است که تعبیر «زید در خانه کائن است» به کار برده نمی شود بلکه صرفا تعبیر «زید در خانه است» استفاده می شود که دال بر وقوع نسبت ظرفیه بین زید و دار می کند.

مطالب ذکر شده اموری است که در تأیید امام قدس سره قابل ذکر است.

## بررسی اقسام جمله خبریه

در مورد جمله خبریه سه قسم متصور است که در این بخش به کلام شهید صدر در مورد این سه قسم اشاره می شود.[[5]](#footnote-5)

شهید صدر در مورد اقسام جمله خبریه فرموده اند: جمله خبریه به سه قسم تقسیم می شود:

1. جمله اسمیه؛ مانند «زید قائم» که جمله خبریه حملیه است.
2. جمله فعلیه؛ مانند «قام زید».
3. جمله مزدوجه؛ مانند «زید قام» که جمله کبری اسمیه و جمله صغری فعلیه است.

### کلام شهید صدر در مورد جمله اسمیه و فعلیه

شهید صدر فرموده اند: موضوع له جمله اسمیه و جمله فعلیه نسبت تصادقیه است ولی نسبت تصادقیه دو نوع است. در مورد جملیه اسمیه مانند «زید قائم» موضوع، نسبت ذهنی است که حکم به تصادق زید و قائم در یک ذات در خارج شده است که این قسم نسبت تصادقیه ذاتیه نامیده می شود؛ چون زید و قائم در یک ذات تصادق دارند. در مورد «قام زید» نیز که جمله فعلیه است، نسبت تصادقیه وجود دارد، اما نسبت تصادقیه ذاتیه نیست بلکه نسبت تصادقیه اسنادیه است؛ یعنی یک حادثه ای است که دارای یک فعل و فاعل است که «قام زید» ایجاد نسبت تصادقیه بین قیام و زید کرده و حکم می‌کند که زید فاعل این حادثه است. بنابراین این گونه نیست که ذاتی وجود داشته باشد که مصداق زید و قائم باشد، بلکه حادثه ای در خارج وجود دارد که فعل و فاعل دارد و زید و قائم تصادق اسنادی دارند که قیام فعل بوده و زید فاعل آن است.

توجیه ذکر شده در کتاب بحوث بیان شده است. ایشان در درس خود توجیه دیگری ذکر کرده اند که سایر تقاریر بیان کرده اند ولی در کتاب بحوث فی علم الاصول به جهت ملاحظه مجدد خود شهید صدر حذف شده است. توجیه دوم به این صورت است که «قام زید» تصادق حملی و ذاتی است؛ چون معنای این جمله «ذات صدر منه القیام زیدٌ» است.

به نظر ما توجیه دوم قابل پذیرش نیست؛ چون روشن است که اگر تعبیر «هل قام زید؟» به کار برده شود، به معنای «هل ذات صدر منه القیام زید» که در آن وجود یک ذات، مفروغ عنه گرفته شده و زید بودن آن مورد سوال واقع شود، نخواهد بود و به همین جهت روشن می شود که معنای «قام زید» به صورت «ذات صدر منه القیام» نیست. به همین دلیل بوده است که خود شهید صدر این پاسخ را از کتاب بحوث حذف کرده اند و نعم ماصنع.

بنابراین به نظر ما همان طور که در کلام محقق نائینی ذکر شده است، مفاد «قام زید» نیز نسبت تامه تحقیقیه است و لذا جمله فعلیه دلالت بر وقوع فعل از فاعل اعم از وقوع صدوری یا حلولی[[6]](#footnote-6) می کند. البته در ذهن شهید صدر است که در این موارد دلالت تصدیقیه می شود؛ چون دال بر وجود قیام از زید است، در حالی که اگر تعبیر «قام زید» از موج هوا شنیده شود، مدلول تصدیقی نخواهد داشت.

پاسخ ما از این اشکال این است که مقصود از مدلول تصدیقی، فانی بودن تصوری «قام زید» در یک واقع موجود است که بر این اساس دال بر وقوع نسبت تحقیقیه بین فعل و فاعل در خارج است و با اشکالی مواجه نیست و لذا به نظر ما حق با مشهور است. امام قدس سره نیز در اینجا با مشهور موافقت کرده اند.

### کلام شهید صدر در مورد جملات مزدوجه

شهید صدر در مورد جمله مزدوجه فرموده اند: معنای «زید قام» و «قام زید» متفاوت است. دلیل بر اختلاف معنای دو تعبیر اختلاف قواعد ادبی آنها است؛ چون در صورتی که دو اسم وجود داشته باشد، تعابیر «قام زید و عمرو» و «قاما زید و عمرو» به کار برده می شود. در مورد صیغه جمع هم این تفاوت تعبیر وجو دارد؛ چون دو تعبیر «ذهب الناس» و «الناس ذهبوا» به کار برده می شود که این تفاوت در نحوه بیان، حاکی از تفاوت دو جمله در معنا خواهد بود.

ایشان در بیان تفاوت معنایی بین «زید قام» و «قام زید» فرموده اند: معنای «زید قام» این است که واقعی وجود دارد و زید و قضیه «قام زید» در آن تصادق دارد؛ چون زید قام» همانند «زید ابوه عالم» است که زید وجود دارد که هر گاه موضوع لحاظ شود، محمول تصورا[[7]](#footnote-7) بر آن صادق است.

به نظر ما کلام شهید صدر در مورد جملات مزدوجه تکلف بوده و بین «زید قام» و «قام زید» تفاوتی وجود ندارد. شاهد این امر این است که در زبان فارسی تعابیر «زید و عمرو ایستادند» و «ایستادند زید و عمرو» به کار برده می شود و یا دو تعبیر «مردم رفتند» و «رفتند مردم» به کار برده می شود تغییری در تعبیر ایجاد نمی شود. از طرف دیگر اگر نکات ذکر شده تفاوت معنوی دو جمله باشد، نباید در زبان های مختلف تغییر ایجاد شود؛ چون در نکات ارتکازی بین زبان فارسی و عربی تفاوتی وجود ندارد. بنابراین نکات ذکر شده قواعد ادبی است که تعبد لغت عربی است و از متعارف بودن استفاده از برخی تعابیر ناشی شده است.

## بررسی معنای جملات انشائی

در مورد انواع جمله انشائی دو بحث وجود دارد:

1. بحث ثبوتی از حقیقت انشاء. به نظر ما انشاء با اعتبار متفاوت است و در کلمات خلط صورت گرفته است.
2. بحث لغوی که معنای جمله هایی انشائی مورد بررسی قرار می گیرد.

در کلمات فقهاء ابتدا معنای جمله هایی انشائی مطرح شده است که ما هم به صورت اختصار به بحث معانی جمل انشائی پرداخته و در ادامه حقیقت انشاء و اعتبار را مورد بررسی قرار می دهیم.

1. . [محاضرات فی اصول الفقه، ج1، ص95.](http://lib.eshia.ir/27874/1/94/%D9%81%D8%A7%D9%84%D8%B5%D8%AD%D9%8A%D8%AD) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج1، ص288.](http://lib.eshia.ir/13064/1/288/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%AE%D9%84%D8%B5%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج1، ص265.](http://lib.eshia.ir/13064/1/265/%D9%88%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%B1%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. . [تهذیب الاصول، السید روح الله الموسوی الخمینی (سبحانی)، ج1، ص52.](http://lib.eshia.ir/27915/1/52/%D8%A2%D9%86%D9%81%D8%A7%20) [↑](#footnote-ref-4)
5. . [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج1، ص269.](http://lib.eshia.ir/13064/1/269/%D8%B6%D9%88%D8%A1%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. . «ضرب زید» مثال برای وقوع صدوری بوده و «مات زید» مثالی برای وقوع حلولی است که جامع آنها قیام حدث به فاعل آن است. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نکته استفاده از تعبیر «تصورا» به جای تعبیر «تصدیقا» این است که حتی اگر موج هوا هم موجب ایجاد «زید قام» شود، این معنا تصور شود که با تصور موضوع، محمول بر ان صادق باشد. [↑](#footnote-ref-7)